

مطالعه شاخص های هنری پوشاک قوم کرمانج

عطیه نتاج مجد^۱، الهام صفری^۲

^۱ عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی طبری بابل (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، مؤسسه آموزش عالی طبری بابل

چکیده

اگر بخواهیم هنرها را علاوه بر شاخص های ساختاری و زیبایی‌شناسی، از نظر مولفه های فرهنگی- اجتماعی و زمینه های تولید مواد و مصالح و تناسب با محیط و جغرافیا طبقه بندی نماییم، پوشاک همانند معماری در گروه هنر های کاربردی قرار خواهد گرفت که به اعتبار ویژگی های مفهومی و محتوایی، می تواند روایتگر فرهنگ و سلیقه ها و رفتارهای هنری- اقتصادی جامعه باشد. به این اعتبار در طول تاریخ، انواع پوشاک توانسته است به عنوان یک عامل زیرساختی فرهنگی- اقتصادی در فضای مدیریتی - حکومتی جامعه تأثیر داشته باشد. که با ظهور شیوه‌ها و ابزارهای نوین تولید و توزیع پارچه و پوشاک، رفته رفته بعد اقتصادی- صنعتی بر بعد هنری- فرهنگی غلبه پیدا کرده است و جامه های سنتی در این کشاکش هنر و صنعت، رفتارهای متفاوتی داشته‌اند، از یک سو، جنبه‌های هنری پوشاک به عنوان یک میراث فرهنگی، روایتگر فرهنگ و هنر سنتی است و از دیگر سو، مقوله گستردگی و طیف وسیع تولید پوشاک از منظر اقتصادی و صنعتی است. یکی از سرمایه های ممتاز هنری - فرهنگی جامعه ایرانی، همین پوشاک محلی سنتی است که در این طرح به طور خاص به شاخصه‌های هنری پوشاک قوم کرمانج پرداخته ایم. کرمانج ها که به عنوان یک قوم کهن در سطح وسیعی از شمال شرق کشور از مرز لایین و کلات در خراسان رضوی تا بجنورد و شیروان در خراسان شمالی و مراوه تپه در استان گلستان و ... زندگی می‌کنند، از نظر شاخص های هنری پوشاک، دارای تفاوت‌های ظریفی هستند که در این طرح به پوشاک کرمانج های منطقه ای خراسان شمالی پرداخته ایم. این طرح بر اساس رویکرد علمی- فرهنگی و مبتنی بر طبقه بندی های تاریخی - تفسیری ست که سعی کرده ایم با طرح مبانی نظری پوشاک مبتنی بر فضای بومی- محلی به روایت توصیفی - تصویری ساختار های شش گانه بپردازیم. ساختار طرح پژوهشی به صورت مبانی نظری، الگوها و نمونه ها و پیوست های هنری می باشد که اهتمام شده تا همراه با تعریف هر نوع پوشاک، تصویر آن هم منظور گردد. از این منظر پوشاک را با نگرش علمی به شش قسمت (سرپوش، تن پوش، دست پوش، بالا پوش، پایین پوش، پاپوش) تقسیم نموده ایم.

واژه‌های کلیدی: پوشاک، قوم کرمانج، فرهنگ، بومی - محلی

مقدمه

پوشاک از اصلی ترین و بارزترین عناصر ممتاز ظهور و بروز هویت های فرهنگی و هنری یک قوم و ملت است، اگر در جامعه ها و خانواده های سنتی و گذشته، تولید و توزیع و مصرف انواع پوشش ها در یک فضای کوچک صورت می گرفت، امروزه و بخصوص با پیشرفت ها و فناوری های نوین و تغییر سلیقه ها و ذائقه های هنری و افزایش جمعیت و ارتباط وسیع اقوام و سرزمین ها و در هم آمیختگی نژادها و زبانها و فرهنگ ها و گسترش دایره ارتباطات و اطلاعات و روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ظهور انواع رنگ ها و طرح های گوناگون و صنعتی شدن تولید و بافت پوشاک، دایره تغییرات و تنوع ها بسیار وسیع و فراخ شده است، به این اعتبار، پوشاک را باید با نگاهی میان رشته ای در ارتباط با تحولات و تغییرات اجتماعی و فرهنگی مطالعه نمود، که در این گسترش و پیشرفت های نوین رفتاری و اخلاقی، حتی ذائقه های هنری هم تغییر یافته اند. در جامعه های سنتی، تولید و تهیه مواد اولیه پوشاک از محیط اطراف و پیرامون بود. از پشم گوسفندان و شتران، از پنبه، کرم ابریشم و... که طی مراحل تهیه تا بافت و طراحی در یک فضای کوچک و بومی و قبیله ای صورت می گرفت، به این اعتبار، هم نوع طرح و شکل و مواد از محیط و رفتارها و اندیشه ها و شاخص های هنری هر قومی بر گرفته بود. هم مصرف و توزیع در یک جامعه کوچک عشیره ای و منطقه ای صورت می گرفت با این تفسیر اجناس مرغوب و شناخته شده و در دسترس و مطابق با انتخاب و سلیقه های مردم بومی بود، اما با گسترش دایره جمعیت به خصوص افزونی ارتباطات، جامعه فرهنگی کلان شکل گرفت و کم کم تحت تاثیر تغییرات اجتماعی و صنعتی، عناصر هنری هم کم رنگ تر شده اند، چرا که با ورود و تولید انواع اجناس و مواد اولیه صنعتی، نوع مرغوب و اصیل و سنتی کمتر یافت شد و اینجا کارخانه ها بودند که با تولید انواع اجناس پلاستیکی و رنگهای صنعتی و حتی طرح ها و دوخت های پیشرفته و نوین، سلیقه های مردم را تعیین می کردند، و از همه بیشتر، این تبلیغات رسانه ای بود که ذائقه های جدیدی را برای مردم معرفی میکرد و از اینجا بود که تولید و مصرف پوشاک در جامعه های جدید با صنعت و تبلیغات روبرو شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

- ۱- درک ارزش های هنری پوشاک کرمانج ها به عنوان یک خرده فرهنگ.
 - ۲- میزان و نقش عناصر هنری پوشاک کرمانجی در تبیین و تبلیغ مفاهیم دینی و ارزشهای ایرانی- اسلامی.
 - ۳- ضرورت حفظ و صیانت از شاخصه های هنری پوشاک کرمانجی در جهت تداوم و تکامل مبانی فرهنگی و هنری ایرانی - اسلامی.
 - ۴- دریافت نوع رنگ ها و بافت های به کار رفته در طراحی و دوخت پوشاک کرمانجی.
 - ۵- ترغیب سازمان ها و نهادهای اجرایی در جهت حمایت از شاخص های اصیل فرهنگی و هنری پوشاک و تبدیل آنها به یک فرصت سرمایه گذاری.
 - ۶- جلوگیری از فراموشی فرهنگی و احیای مجدد فرهنگ سنتی کرمانج به ویژه پوشاک آنها.
- اهداف تحقیق
- هدف اصلی این طرح به عنوان یک مطالعه هنری؛ بیان ارزش های شاخص های هنری پوشاک کرمانجی ست که شامل است از:
- ۱- شناخت انواع پوشاک مردانه و زنانه کرمانجی منطقه خراسان شمالی.
 - ۲- آشنایی با طرح و بافت و رنگ و فرم و دیگر عناصر هنری پوشاک کرمانجی.
 - ۳- شناخت عوامل تاثیرگذار محیطی و اقلیمی و فرهنگی در تهیه و تولید پوشاک.
 - ۴- مشخص کردن جایگاه شاخصه های هنری در اندیشه های خرده فرهنگ کرمانجی از منظر دریافت نقش عناصر هنری پوشاک.
 - ۵- شناخت ارتباط میان پوشاک با فرهنگ قومی با رویکرد تعامل میان رشته ای هنر با فرهنگ و جامعه ملی.

پرسش های تحقیق

- ۱- آیا شاخص های هنری (طرح ، رنگ، بافت ،هندسه ،مواد و...) از مبانی فرهنگی و اجتماعی قوم کرمانج تاثیر پذیرفته است؟
- ۲- نماد های طبیعی و فرهنگی و عناصر اقلیمی و بومی در شکل و محتوای مولفه های هنری پوشاک کرمانجی چه میزان تاثیرگذار است؟
- ۳- چه تناسبی میان نوع رفتار و اندیشه و حالات فرهنگی قوم کرمانجی با نوع انتخاب رنگ و طرح هنری می تواند وجود داشته باشد؟
- ۴- آیا حمایت از عناصر هنری پوشاک باعث تقویت و بهبود مبانی روانی و سیاسی و اجتماعی کرمانج های منطقه خواهد شد.

روش تحقیق

پژوهش هنر پوشاک در ارتباط با مولفه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و... می تواند به عنوان یک مطالعه میان رشته ای از زوایای گوناگون توصیفی و تحلیلی و میزان کاربردی و اجرایی منظور داشت، کمیت ها و کیفیت ها و شیوه ها و نحوه ها صورت بگیرد که در این طرح فقط به مبانی نظری و توصیفی پوشاک پرداخته ایم و بقیه عناصر و شاخص های تاثیر گذار در روند فرایند شکل گیری، تداوم و پایداری، ماندگاری و کاربردی پوشاک را در ارتباط با فرهنگ و اقتصاد به صورت تحلیلی بر مبنای این توصیفات انجام می دهیم. به این اعتبار ، نگاه ما در این طرح از زاویه ی عناصر و شاخصه های هنری است که با ذکر پیش درآمدی در مبانی نظری و قدرت های کاربردی پوشاک در جامعه، ابتدا طبقه بندی پوشاک را مطرح نموده ایم و انگاه با نگاهی توصیفی هر یک از انواع و گونه های پوشش را با ذکر شواهد تصویری تعریف نموده ایم و در پایان فرم شاخص های هنری پوشاک کرمانج را از نظر رنگ، جنس، مواد، اندازه و... بیان نموده ایم که کل این طرح از نظر پژوهشی به صورت توصیفی و تا حدودی تحلیلی است و مبانی فرهنگی تاریخی هم در حد مختصر برای کفایت یک طرح پژوهشی انجام گرفته است. امید است در بخش دوم طرح با تحلیل عناصر و مولفه های هنری بتوانیم بیشتر به مبانی اجرایی و کاربردی پوشاک در جامعه بپردازیم با این همه همین پژوهش توصیفی و تحلیل شاخص های هنری می تواند از ارزش ساختاری و محتوایی فرهنگ و جامعه و قوم کرمانج را بیان نماید و نگرشی باشد از ساختار هنری به ساختار اقتصادی و فرهنگی جامعه. در این پژوهش های توصیفی هنری و بومی، باید علاوه بر مطالعات نظری کتابخانه ای و مکتوب از مصاحبه و پرسش با بزرگان و متخصصان قوم بهره جست که اهتمام کلی بر این بوده که برای حفظ اصالت گفتارهای نظری، در حد وسیع و با استفاده از نظرات متخصصان فرهنگ و هنر، حتی تهیه کنندگان و عاملان و رابطان فروش و توزیع هم بهره گرفته شود که این نوع پژوهش توصیفی با مبانی کاربردی می تواند مقدمه ای باشد برای تحلیل محتوای فرهنگ و جامعه ایرانی این خطه..

هنر، بیان احساسات است؛ حس و عاطفه همراه با نوعی نگاه زیبا؛ نگاهی همراه با ذوق و سلیقه ای ظریف که در هر خطه و سرزمین و متناسب با فرهنگ جامعه رنگ و صبغه ای دل انگیز می گیرد. مطالعه هنر هر منطقه قوم و تمدنی، ارتباط تنگاتنگ دارد با فرهنگ آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی و اخلاق و نگرش و منش مردمان آن خطه. حتی اقتصاد و تجارت و شیوه های معیشتی و بازرگانی در کل مباحث مالی و اقتصادی نگرش های سیاسی و استراتژیک و خط مشی های رفتاری و روانی هر قومی در نوع و شیوه و طیف هنر هر سرزمین و قوی تأثیرگذار است؛ از اینجاست که مباحث میان رشته ای بین هنر و دیگر قلمرو های علمی و هنری پدید آمد به نام جامعه شناسی هنر، روانشناسی هنر، اقتصاد هنر، تجارت هنر، و... که از تناسب ها و تعادل ها و تطابق های میان هنر با فرایند ها و شرایط و زمینه ها و زمانه ها و عناصر و فضاهای علوم انسانی که این نوع تبادل و تطابق به خصوص در حوزه اقوام و قبیله ها امتیازی خاص دارد برای مطالعه در هر یک از حوزه های رفتاری و شخصیتی و عناصر فرهنگی و اجتماعی قوم باید به تناسب و میزان و چگونگی ارتباط های هنری و فرهنگی و اقتصادی و فعالیت خاص

داشته باشیم. بوم ها و قوم ها هنوز هم در عصر شهرنشینی تا حدودی شهر زدگی از لحاظ مطالعات و دریافت ریشه ها مبادی عناصر و فضاهای هنری قابل باور ترین مطمئن ترین گونه ها هستند هم از نظر مبانی نظری هم از نظر شواهد و مصداق ها و بررسی سلیقه ها و ذوق ها. ما در این طرح به مبانی نظری و مصداق های پوشاک قوم کرمانج منطقه خراسان شمالی پرداخته ایم که هم از نظر ریشه های نظری قومی و نژادی و قبیله ای پاره ای از سرزمین ایران محسوب می شوند و هم از نظر رفتارها و فرهنگ و آداب اجتماعی از قلمرو فرهنگ ایرانی-اسلامی برخوردار اند. مطالعه شاخص های هنری پوشاک قوم کرمانج، به دلایل ذیل می تواند حائز اهمیت باشد:

۱- ارزش پوشاک در بیان و درک مبانی نظری و اجتماعی ۲- قابلیت های پوشاک کرمانج از نظر مولفه های گوناگون هنری ۳- درک ارزش های هنری پوشاک از منظر ارتباط با فرهنگ و اقتصاد ۴- دلایل حضور یا کمبود در نبود پوشاک در فرهنگ خانوادگی کرمانج ها و...

ما در این طرح بیشتر به مبانی نظری و تا حدی هم به گونه های پوشاک بر مبنای یک طبقه بندی جدید پرداخته ایم، که با این گونه تقسیم بندی می توان به عناصر و عوامل تاثیرگذار در فرآیند رونق و رواج یا نبود و کمبود و اضمحلال پوشاک در فضای فرهنگ و هنر منطقه بر اساس شواهد مفصل پرداخت. به این اعتبار پوشاک را بر مبنای یک طبقه بندی جدید به گونه های ذیل تقسیم نموده ایم: ۱- سرپوش ها ۲- دست پوش ها ۳- تن پوش ها ۴- بالا پوش ها ۵- پایین پوش ها ۶- پاپوشها . که با ذکر نمونه ها و مصداق های عینی سنتی و شکل های موجود در موزه ها و در صندوقچه ها و گنجینه ها به مولفه های شاخصه های پوشاک (طرح، بافت، شکل، اندازه، رنگ، جنس و...) پرداخته ایم که امید است با طرح این مبانی نظری بتوانیم در بخش دوم طرح عناصر و زمینه ها و زمانه ها و دلایل را با نگاهی راهبردی و توسعه ای آسیب شناسی بیان نماییم.

قوم کرمانج ها

کرد ها

کردها یکی از اقوام ساکن خاورمیانه هستند که در غرب آسیا و در بخش غربی فلات ایران زندگی می کنند. سرزمینی که کردها در آن زندگی می کنند کردستان نام دارد و در بین چهار کشور ترکیه، عراق، ایران و سوریه تقسیم شده است. برخی منابع از جمله «تاریخ کرد و کردستان» (صفی زاده ۱۳۷۸: ۱۷۸) کردها را بخش اصلی بازماندگان اقوام بومی خاورمیانه و مادها می داند کردها به زبان کردی، مربوط به شاخه شمال غربی زبان های ایرانی سخن می گویند.

کرد های خراسان

کردهای خراسان بیشتر در شمال خراسان سکونت دارند، از راز و جرگلان بجنورد تا آن سو تر از کلات نادر در طول مرز جغرافیایی با کشور ترکمنستان و از این سو، تا نیشابور، سبزوار، مشهد و چناران پراکنده اند. کردهای خراسان را کرمانج می نامند کرمانج... ظاهراً به برخی قبایل کردستان جنوب اطلاق می شود آن هم نه در مقام مترادفی برای عشیرت بلکه به عنوان یک برجسب قومی. سون می نویسد که کرمانج ها پاک ترین خون کردی را دارند. سایر قبایل را به طور ساده کرد می خوانند. در کردستان شمال نیز به لفظ کرمانج اغلب در دو معنی متفاوت به کار می رود: الف- برجسبی قومی است که در اشاره به تمام کرد هایی که به لهجه کرمانجی شمال سخن می گویند به کار می رود.

جغرافیای تاریخی طرح

تمام طوایف و قبایلی که در حال حاضر در اطراف و اکناف ایران زندگی می کنند، به گونه ای قومی و عشیره ای جدا شده از پیکره بزرگ یک تمدن هستند، هم ترکمن ها و هم کرمانجهای، اقوام کوچانده شده به مرزهای شمالی و شمال شرقی ایران هستند که از اصلی ترین حضور و کوچ آنها باید به مسائل امنیتی، دفاع و صیانت از مرزهای کشور اشاره کرد. نقطه محوری دفاع و حفظ ناموس آبرو و جان و مال اصلی ترین اقوام ترکمن و کرمانجی است که با گذشت زمان و سازگاری با محیط و

طبیعت و تناسب با اوضاع و احوال منطقه، باعث شکل‌گیری یک گونه قومی و تداوم و تکامل و پدیداری فرهنگ و هنر مخصوص آنها شده است، بین اعتبار این اقوام کوچک جدا شده از اصل، به تناسب محیط و شرایط اجتماعی و فرهنگی احوال هنر، خاصی یافته اند که در این تغییر و تبدیل های زبانی و فرهنگی و پوشاک و آداب و رسوم و ... باید برای مطالعه دقیق، به فرآیند تعامل فرهنگ بومی با محیط و خط مشی های سیاسی و اجتماعی هم توجه داشت. اگرچه در مطالعات شاخص های هنری و به خصوص پوشاک، باید به تفاوت های جامعه شناسی و فرهنگی هم عنایت خاص داشت، اما طیف سنجی تغییرات هنری در این طوایف به اعتبار درجه انحراف کوچک، باعث شده تا ما با کمی ملاحظه به شاخص های ممتاز و تا حدودی مشترک در اقوام کرمانج بپردازیم که اگرچه در ناحیه مرزی ایران هم این قبایل از فرهنگ پوشش خود صیانت نموده اند ولی باید گونه های تغییر یافته اصلی و کاربردهای نوین را جست. آنچه در این میان کمتر دچار تغییر شده است موضوع رنگ نماد قرمز و طیف سرخ هاست که نشانی از قدرت و تولد و باروری و شدت و احساس غرور و شکوه و روحیه و انگیزه های ادامه است. و بیشترین تغییرات در نوع دوخت و بافت و طرح لباس ها است که در این طرح به خاطر مرکزیت شهرستان بجنورد، در حلقه ارتباطی بین هر ناحیه ی اسفراین و لایین و درگز و... همچنین هویت و اصالت قومی بجنورد، به پوشاک این منطقه پرداخته ایم که در بیشتر موارد گونه های مطرح شده از نظر هنری و شاخصه های در بین تمام اقوام کرمانج مشترک است که به عنوان مقدمه ای بر مقاله، نوشتاری از دکتر حسینعلی بیهقی در دانشنامه ایرانیکا با عنوان پوشاک خراسان شمالی را آورده ایم تا هم از نظر عناصر هنری و هم مبانی فرهنگی، پیش درآمدی باشد بر اصل محور مقاله کردهای خراسان معروف به «کرمانج» در بخش شمالی این استان زندگی می کنند، جامعه ی شاخص مردان، شامل یکی از انواع سرپند است به قرار زیر: کلاه سیاه منگوله دار که دور آن شرلی پیچیده می شود، و باشلق سیاه از پشم بره که سر از بالای ابروها تا گردن می پوشاند، باشلق سفری که صورت را پوشانده و روزنه ای برای او برای چشم ها دارد، و کلاه گرانبهایی دوخته شده از پوست بره. پیراهن سنتی مردان از ابریشم سفید یا قرمز است که بی یقه و جلو باز است، یا اینکه چاکمی بر روی شانه دارد که با دگمه و سگک بسته می شود. روی این پیراهن یک نیم تنه پوشیده می شود. شلوار از چلوار یا نخ دیگری است که با خشتک دوخته می شود. بالای پوش رویی تا قوزک پا طول دارد یقه پهن و جلو باز است و از پشم بره سیاه یا قهوه ای دوخته می شود مردها جوراب پشمی به پا می کنند و قوزک و ساق هایشان را با نوارهای به طول ۲-۱/۵ عرض ۲۰ سانتی متر می پیچند. کفش های ظریفی از چرم مرغوب قرمز، ساخته می شود که با بند بسته و با منگوله تزئین می گردد. کفش های معمولی از پوست های پرداخت نشده ی سر گاو ها ساخته می شود. در میان زنان، چهار گروه قومی با لباس خاص خود، مشخص می باشند. ابتدا کرد های مرزی، خصوصا کرد های چناران، درگز در شمال قوچان، شیروان و بجنورد تا مرز روسیه می باشند. زنان این گروه روسری بلندی دور سرشان می پیچند که یک سر آن از وسط صورت رد می شود تا دهان را بپوشاند و سر دیگر از عقب تا قوزک پاها می افتد. دستمال سر ابریشمی رنگی که سکه هایی در حاشیه هایش دوخته شده، دوسر، روی این روسری بسته می شود. لباس سنتی از ابریشم قرمز و طرح دار با رنگهای دیگر، و همچنین سه دکمه روی سینه بسته می شود. دامن برای سهولت در حرکت، در کناره ها چاک دارد و آستین های بلند با قیطان در سر آستین ها آراسته می شود. زنان در خانه شلوار گشاد ای مشابه آنچه مردان می پوشند، به پا می کنند که اغلب تا ۱۲ متر شلوار زیر آبی رنگ، پارچه لازم دارد. زنان در بیرون شلوار بلند تری با نقوش گل دار می پوشند. این شلوار انقدر گشاد است که بیشتر به دامن شباهت دارد، لبه های آن با نوعی بند «مداخل» یا «جک» می گویند، تزئین می شود. به طور معمول نیم تنه نمدی یا مخمل ساده ای با آستین های جداگانه (یل) بیشتر در رنگ های آبی، قرمز یا سیاه، روی لباس پوشیده می شود. نوع زینتی تر (کلجه کله)، در جلو از گردن تا کمر با سکه ها، پولک ها و زینت آلات نقره پوشیده می شود زنان روی این نیم تنه «جلزقه» می پوشند که دوخت آن مانند (یل) است ولی بی آستین و جلو باز می باشد جوراب های بافته شده از ابریشم نرم سفید که با رنگ های گوناگون رنگ آمیزی شده تا حدی از جوراب های مردانه، بلند تر است کفش های زنان از تکه های یکسره پوست گوساله درست می شود که پنجه هایش به سمت بالا برگشته و ریشه های ابریشمی و سگکی بر نوک آن، تزئین می شود. زنان در خانه نوعی دمپایی می پوشند که به آن کمخت می گویند. کردهای قره مانی در جنوب قوچان بین تپه های شاه جهان، بینالود و کوه های آلاداغ و ناحیه اسفراین و سبزوار زندگی می کنند

پوشاک زنانه این قوم، به خصوص شلوار هایشان، با زنان اقوام مرزی متفاوت است، به طوری که به جای زیرشلواری شلوار کوتاه می‌پوشند و شلوار رویی که گلدار است فقط تا زیر زانو می‌رسد. لباس‌ها معمولاً گلدوزی می‌شوند دستمال سری که روی چارقد بسته می‌شود سیاه می‌باشد. گروه سوم، کرد های دشت در حوالی قوچان هستند که در فاروج و جنوب شیروان زندگی می‌کنند این گروه بسیار تهی دست بوده، بنابراین لباس‌هایشان از لحاظ پارچه و دوخت ساده است. زنان زیر شلواری بسیار گشاد ی که شبیه دامن است که به زانو نمی‌رسد نوعی شلوارک کوتاه تر به رنگ سیاه یا آبی که در لبه‌ها تنگ می‌شود می‌پوشند. زنان کرد لایینی دور روسری بزرگ، که قرمز روی سیاه قرار می‌گیرد، سر می‌کنند دنباله ی آنها از پشت تا پاها می‌افتد. روی روسری‌ها روبان نقره کاری شده ی پهنی به نام رو سر می‌بندند که دور سر و زیر چانه قرار می‌گیرد. کلبه ی لایینی سنتی آستین‌های گشادی دارد و از ابریشم درست می‌شود و سکه‌های جلوی آن دوخته می‌شود. پیراهن زنانه که آن هم از جنس ابریشم است از پیراهن سایر زنان کرمانج بلندتر است و به جای یل نیم تنه بدون تزیین کوتاه‌تری از جنس نمد یا مخمل می‌پوشند. شلوار، شبیه به شلوار زنان کرده مرزنشین است.

پیشینه تحقیق

از ویژگی‌های مطالعات پوشاک ضرورت نگرش چند بعدی از زوایای علوم گوناگون نظیر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ و هنر و... به آن است. شاید همین گستردگی، در کنار معضل بزرگ کمبود منابع، به ویژه در تحقیقات تاریخی، علت اصلی کمبود مطالعات علمی بر روی پوشاک بوده است. با وجود چنین بستری برای انجام مطالعات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، هنوز طرح‌های عمیق و جدی تحقیقی در خصوص پوشاک کرمانج بسیار نادر و تعداد مقاله‌ها و کتاب‌های نوشته شده در این زمینه نیز نایاب است و این موضوع از جمله موانعی است که این مقاله با آن روبرو بوده است.

پوشاک همانند زبان، هویت و اصالت قومی، منزلت اجتماعی و موقعیت جغرافیایی و وابستگی‌های سنجی، گونه فرهنگی، سیاسی، مذهبی و شأن و حیثیت اجتماعی و اقتصادی و هنری مردم را مشخص می‌کند.

به این اعتبار، لباس و حتی نوع جنس و مواد و طرح و بافت پوشاک، باعث تمایز سلیقه‌های فرهنگی و نوع اقلیم و حتی طرز اندیشه و شیوه‌ی بیان و رفتار و تعامل با جهان درون و بیرون می‌شود، از این حیث نوع طبقه بندی پوشاک به اعتبار دامنه و طیف گسترده و اشتغال آن بر قلمرو گسترده‌ای از پوشش‌ها به صورت‌های متفاوت می‌تواند انجام گیرد، که تمام این تقسیم بندی‌ها را می‌توانیم در دو حوزه محتوایی و ساختاری بیان کنیم:

۱- قلمرو محتوایی مانند تقسیم به دوره‌های تاریخی، جایگاه و منزلت اجتماعی هویت فرهنگی شاخصه‌های هنری، اندیشه‌های دینی و آیینی، هزینه‌های اقتصادی، جامعه‌های ایل، عشیره‌ای و دهقانی- روستایی و جامعه شهری و دیگر مباحث به عناصر فرهنگی و اقتصادی و هنری و...

۲- قلمرو ساختاری مانند تعیین هندسه، فرم و شکل، اندازه، نوع رنگ، طرح، بافت نوع دوخت و برش و الگو و مدل، و دیگر مولفه‌های مربوط به ریخت و ساختار که بیشتر در صورت و شکل پوشاک اتفاق می‌افتد و حتی نوع زیورآلات و تزییناتی که به عنوان عناصر زیبایی به پوشاک دوخته می‌شوند و...

پوشاک تمام دوره‌های تاریخی جهان را می‌توان از نظر مفاهیم محتوایی و ساختاری ساری و شکل تقسیم بندی نمود ولی هر دوره‌ای بر حسب فضای فرهنگی، اقتصادی جامعه، عناصری از یک نوع پوشش برجستگی خاص یافته‌اند که باید در مطالعه‌ی پوشاک هر منطقه و سرزمین و حتی یک خطه کوچک به زیرساخت‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی توجه داشت.

به عنوان نمونه کلاه و تمام گونه‌های پوشش سر در سرزمین ایران تا دوره پهلوی، جدای از عملکرد حفاظت و صیانت از آسیب‌های بیرونی، نوع قداست و وقار و متانت و حیا و احساس معنویت بود که تمام مردان از آن استفاده می‌کردند و از دوره دوم پهلوی تحت تاثیر روابط ایران با کشورهای اروپایی و تاثیرات البسه متنوع غربی، از سرها برداشته شد و همین گونه است وضعیت پوشش کت و شلوار که از دوران قاجاریه کم‌کم در جامعه‌ی ایرانی نفوذ کرد و از عصر پهلوی جایگزین عبا و قبای ایرانی شد.

بر حسب نوع طبقه بندی پوشاک مطابق هر یک از مولفه های ساختاری و فضایی و محتوایی، نظریه های هم در آن مورد بیان شده است که یکی از معتبرترین طبقه بندی های پوشاک در دانشنامه ایرانیکا به کار رفته که به طور مختصر اشاره می شود: «دومین مشکلی که محققان با آن مواجه اند، تقسیم بندی انواع پوشاک است. اغلب نویسندگان، چه با صراحت و چه بدون صراحت، این تقسیم بندی کلی و پنج بخشی را که بر اساس موقعیت تن پوش در بدن صورت گرفته، پذیرفته اند، پوشش سر، تن پوش های رویی، تن پوش های زیرین، شلوار، پای افزار. این تقسیم بندی، همه لباس ها را دربر نمی گیرد و سایر گونه های پوشاک نظیر زیورآلات، کمربندها، دستکش ها، وزره و جنگ افزار ها، عمدتاً به صورت جداگانه، تحت عنوان لوازم تزئینی دسته بندی شده اند. در مورد زیر مجموعه های کوچکتر، روش یکسانی در پیش گرفته نشده است. برای مثال باستان شناسان روس، تن پوش های رویی را به دو دسته تن پوش های آویزان از شانه و تن پوش های آویزان از کمر، تقسیم کرده اند. رویکرد ویژه مشترک، بر اساس ساختار تن پوش می باشد. یک تقسیم بندی جدید چهار قسمتی که از البسه تاریخی غرب مشتق شده عبارت است از:

اول: تن پوش های آویزان که در آنها ظاهر لباس به ساختار لخت و افتان منسوجات بستگی دارد و معمولاً به صورت قطعات یکپارچه و صاف به روی بدن قرار می گیرند.

دوم: تن پوش هایی که دوخت راسته دارند و در آن ها تکه هایی با اشکال هندسی خاص با درزهای مستقیم به یکدیگر کوک می خورند.

سوم: تن پوش های تکه دوزی شده که در آنها، اجزای سازنده، به هم وصل شده اند، بنابراین حتی در بیرون از بدن، شکل خود را حفظ می کنند.

چهارم: تن پوش هایی که بر پایه ظاهر از پیش تعیین شده ی پارچه، شکل میگیرند، مثلاً قطعات گلدوزی شده. رویکردی دیگر به تقسیم بندی، تأکید بر شرایطی دارد که لباس در آن پوشیده شده است. یک چنین تقسیم بندی مثلاً در مورد تمایز درباریان هخامنشی با لباس سواره نظام، بین البسه شهری و روستایی و ایلیایی، بین البته گروه های مختلف شغلی و نیز بین لباس روزمره و تشریفاتی جاری است.»

مطابق با نوع تقسیم پوشاک، نظریه هایی هم ارائه شده که از مهم ترین آنها می توان به نظریه های خانم لیندسفارن تاپر و پروفیسور جنسینر و پروفیسور ولفگانگ بروختر اشاره کرد که بروختر چهار نظریه معروف دارد که از همه مشهورتر است: ۱- نظریه قومی ۲- نظریه انتشاری ۳- نظریه تاریخ توسعه ۴- نظریه تاریخ زدایی یا نظریه مربوط به عملکرد اجتماعی (همان ۳۷/).

مهمترین عوامل شکل گیری و تحویل لباس را می توان در عوامل زیر خلاصه نمود:

۱- **آب و هوا و شرایط اقلیمی و اجتماعی:** یکی از عوامل تعیین کننده در تغییر و تحول لباس، که پیش از هر عاملی در تغییر لباس و تحول آن تاثیر داشته، آب و هوا می باشد. لباس برای پوشاندن بدن از سرما و گرماست و آب و هوا یک عامل تعیین کننده در جنس و شکل آن می باشد. به طوری که سرما، گرما و هوای معتدل هر یک پوشش ویژه ای را می طلبند.

۲- **جنسیت:** بنا بر طبیعت انسان و خصوصیات جسمانی وی، تن پوش مردها با زنان متفاوت است. به همین دلیل در شرایط گوناگون مردان و زنان از تن پوش های متفاوتی استفاده می نمایند.

۳- **سن:** انسان در طرز پوشش او تاثیر بسزایی دارد به طوری که از کودکی تا زمان پیری، انسان متناسب با سن خود لباس می پوشد و کاربرد رنگ و فرم در شکل آن تأثیر بسزایی دارد.

۴- **ذوق و حس زیبایی دوستی:** یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار در لباس و تحولات آن که نمی توان از آن چشم پوشی نمود، ذوق و حس زیبایی دوستی و تنوع طلبی و تجمع خواهی بشر است، که موجب گردیده تا علاوه بر نقشی که سرما، گرما و شرایط آب و هوایی در پیدایش و تحولات لباس داشته اند.

۵- **جهان بینی و اعتقادات مذهبی:** یکی دیگر از جنبه های مهم در تغییر و تحول و عوامل تاثیرگذار در فرم لباس، جهان بینی و اعتقادات مذهبی یک ملت است. دین و اعتقادات مذهبی هم یکی از اصولی است که گروهی را با اعتقادات و

پوشش خاص شکل داده و به دور هم جمع می نماید. این گروه ها متشکل بر اساس پیوندهای دینی ملزم به رعایت اصولی خاص هستند که در فرم، شکل و حتی رنگ پوشاکشان تاثیر می گذارد.

یافته ها :

در این طرح، پوشاک قوم کرمانج را بر حسب تنوع و مبانی زیبایی شناسی در طرح و رنگ ها و بافت و جنس و مواد و شکل، بر اساس ساختار و صورت لباس ها تقسیم کرده ایم که عبارتند از :

۱- سرپوش ها ۲- دست پوش ها ۳- تن پوش ها ۴- بالا پوش ها ۵- پایین پوشها ۶- پاپوش ها

به این اعتبار، در طرح مقاله با عناصر و شاخص های هنری پرداخته ایم، اگرچه تعیین حدود و طیف هر یک از انواع به طور دقیق میسر نمی باشد، در بعضی موارد نوعی همپوشانی هم وجود دارد. با این همه نوع اقلیم و فرهنگ و زیرساخت های اجتماعی و زیبایی شناسی منطقه خراسان شمالی، بیشتر از هر نوع طبقه بندی محتوای، قابلیت و شایستگی تقسیم بندی ساختاری و عناصر هنری دارد.

بررسی پوشاک زنان کرمانج

در قدیم پارچه هایی که برای دوخت لباسهای زنان کرمانج استفاده میشد، بیشتر دستبافت بود ولی در حال حاضر بیشتر از پارچه های بازاری استفاده می شود.

سرپوش

۱- کلاه

الف- کولا و تخیه دار (Kolave takhiye dar) «کلاهی است که زیر چارقد به سر می کردند و از پارچه های قرمز رنگ نخی یا مخمل دوخته می شد و به گویش محلی به آن تخیه می گفتند. این کلاه دو تکه بود و از کفی به شکل دایره و دوری به شکل مستطیل تشکیل می شود بعد از آستر کشی دور تا دور لبه کلاه را قیطان دوزی می کردند.»

کولا و شته دار (Kolave shete dar) «تخیه را در مراسم جشن منجوق دوزی یا مهره های رنگین به کلاه می دوختند و به آن کلاه شته دار می گفتند.

کلاغی

الف- اپیله چارقد (Epile charghad) «سربندی است که به صورت چهارگوش که بیشتر از کرباس دستبافت و ابریشم تهیه می گردد. از پارچه مرمر هم استفاده میشود و رنگ قرمز مخصوص عروس ها بوده است. این سربند هم اکنون مورد استفاده است.»

ب- اپیله دسمال (epil dasmal) «را زنان برای جلوگیری از افتادن روسری و همچنین جلوگیری از آسیب دیدن پیشانی و محافظت آن از سرمای زمستان در مورد استفاده قرار می دادند. این دسمال را هنوز زنان مسن روستایی و عشایر به پیشانی می بندند.

روسری

الف- چارقد (charghad) این نوع از پارچه گلداری و چهارگوش اغلب با زمینه های روشن و نقش های برگرفته از طبیعت است که بر سر بانوان خودنمایی می کند.

ب- شال (shal) «این نوع روسری پارچه ای گلدار به عرض ۶۰-۵۰ سانتی متر و طول ۴-۵ نیم متر بوده که این نوع روسری بیشتر در بین عشایر معمول بوده، استفاده از این روسری زنان را بی نیاز از استفاده از چادر می کرد.»

ج- لچکی (lachaki)

«این نوع روسری سه گوش یا لچگی است که از جنس مخمل بوده و رنگ آن معمولاً سبز و قرمز و زرد با نوار های زیبا. این نوع روسری کوچک بوده و اغلب برای کودکان استفاده می شده است.»

دست پوش

۱- مچ بند

الف- دس پچ: «یکی از تولیدات مهمی که توسط زنان بافته می‌شود و می‌توان آن را از مشتقات گلیمی نیز به حساب آورد و به دو صورت ساده و طرح دار دیده می‌شود که یکی از واسیل زینتی برای زنان به حساب می‌آید»

تن پوش

۱- پیراهن

الف- کردیانه: «پیراهن بانوان این ناحیه دارای تزئینات زیاد است. قد آن از حدود وسط بدن اندی به پایین می‌گراید پارچه پیراهن گلداری ساده است و یقیه اش گرد و آستین با سردست همیشه دارای تزئیناتی از نوارهای زرد دوزی می‌باشد.»

ب- گراس: «این پیراهن دارای آستین های بلند که گشادی آن در مچ دست جمع می‌شود و اغلب روی مچ نواردوزی ی یا نقش دوزی شده است.»

ج- جلیقه

جلیقه مانند پیراهن دارای جلوه و شکوه بومی است و طبق معمول کردها زمینه آن را از مخمل رنگارنگ انتخاب می‌کنند و تا ممکن است همه جای آن را به کمک نوار های رنگارنگ زردوزی می‌کنند.

الف- جالیزقه: «روی پیراهن جلیقه کوتاهی با یقه هفت و آستر نخ می‌پوشیدند و آنرا نوار دوزی و سکه دوزی می‌کردند که به آن جالیزقه می‌گویند.»

پایین پوش

۱- دامن

الف شلوار (شلیته)

«شلوار دامن پرچینی است که گشادی آن در قسمت کمر جمع می‌شود (با نوار دست بافی به نام ریجه) قسمتی که از زیر پیراهن نمایان است از پارچه مخمل یا ابریشم است و قسمت پنهان آن از پارچه نخ تهیه می‌شود.»

شلوار

الف- تمبون

«شلواری که پاچه آن گشاد می‌باشد و قد آن تا لب مچ پا است برای زیبایی بیشتر یک یا دو یا سه عدد شلوار یا پاچه بر تن می‌کنند.»

ب- نظامی

«شلواری از پارچه‌های نخ گلداری و نازک که قد آن تا زانو بود و به آن درکه یا نظامی می‌گفتند.»

پاپوش

۱- جوراب

الف- جرب «اصولاً از پشم سفید شده و رنگ کرده گوسفند با نقشهای زیبا که توسط خود زنان بافته می‌شود ساق‌های آن کوتاه است و تا به وسط ساق پاهای شان می‌رسد.»

ب- گرا

۲- کفش

الف- چاروق

کفش چرمی «با دو رنگ قرمز با زرد نوک تیز است که منگوله داشته می‌پوشیدند. اغلب منگوله‌ها از رشته‌های چرمی درست میشود و بعدها آن را از الیاف الوانی درست می‌کردند.»

ب- کومخ

نوعی دمپایی است در قدیم که از چرم سبز رنگ و روی آن از پوست الاغ و کف آن از چرم شتر درست می‌شد.

بررسی پوشاک مردان کرمانج

سرپوش

۱- کلاه

پس از شلوار نگاه داشتن کلاه بر سر نشانه مردی است و انواع مختلفی دارد که هر کدام برای سن خاص و موقعیت خاصی بوده است.

الف کولا و نمدی: از پشم گوسفند و در بعضی موارد از کرک و پشم می‌باشد و معمولاً سفید یا قهوه‌ای می‌باشد به وسیله نمدمالان و بیشتر چوپانان استفاده می‌کنند.

ب- کولا و ابریشمی: جنس آن از ابریشم با آستر نخی و گلدوزی شده بود و اغلب به رنگ قرمز و در مراسم عروسی مورد استفاده قرار می‌گرفت کولا و پشمی جنس آن از پشم بوده و در فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ج- کولا و نخی: جنس آن از نخ بوده و ساده است و اغلب دارای رنگ تیره بوده که در تابستان استفاده می‌شده و بیشتر مورد استفاده افراد مسن بود.

۲- دستمال گردن:

الف-پيله دستمال: از جنس ابریشم هفت رنگ است و راه را می‌باشد با زمینه تیره که به آن پيله دستمال می‌گفتند و دور گردن می‌انداختند.

دستپوش

۱- مچ بند. الف- دس پچ: «پارچه‌ای از جنس پوست که ساده بود و دور مچ دست می‌پیچیدند و بیشتر هنگام برداشت محصول استفاده می‌کردند که به آن دسته پچ گفتند.

تن پوش

۱- پیراهن

الف - گراس: «به پیراهنی می‌گفتند دارای آستین بلند راسته یا یقه گرد و ساده و قد این پیراهن تا بالای ران‌ها می‌رسید جنس آن کتان یا ابریشم بود به رنگهای تیره (قهوه‌ای - مشکی) و قرمز رنگ بیشتر در مراسم جشن استفاده می‌شد

بالا پوش

۱- آستین

الف- خلک: «در تهیه پوستین ابتدا پوست کنده شده گوسفند را نمک می‌زدند تا ۲۴ ساعت نگه‌داری میشود بعد از آن پوست‌ها در آفتاب قرار می‌دهند تا خشک پوست‌های خشک شده را می‌شویند و با چاقوی مخصوص تمیز می‌کنند پوست‌های تمیز شده را دباغ‌خانه را با آرد جو و نمک مخلوط کرده آرد جو و نمک جهت این است که پوست دباغی شده موه‌های آن نریزد سپس پوست‌ها را در حوضچه‌های مخصوص می‌خوابانند بعد از ۳۶ ساعت پوست‌ها را خارج و به اصطلاح کش واکش می‌کنند تا پوست جمع نشود این کار به مدت ۳۰ تا ۳۵ روز انجام میشود تا پوست به حالت چرم درآید بعد آن را می‌شویند و مقابل آفتاب پهن کرده تا خشک شود سپس به کارگاه‌های پوستین دوزی می‌دهند و برای رنگ آمیزی از پوست انار جنگلی و ذمه، جوش شیرین رنگ زرد قناری را با هم مخلوط می‌کنند و روی پوست می‌مالند مرکز اصلی تهیه آن قوچان است و به آن خلک می‌گویند که بیشتر مورد استفاده چوپانان بوده و رودوزی‌هایی که استفاده می‌شود بیشتر طرح ستاره و گل‌های ریز می‌باشد.»

۲- قبا

الف- چوقی نام یک نوع کت است که جنس آن از پشم بوده است و بیشتر از پشم شتر برای تهیه آن استفاده می‌شود دارای یقه ایستاده است و تا زیر باسن بلندی دارد این لباس دارای آستری از پارچه معمولی است و لایه‌ای برای ضخیم کردن آن استفاده می‌شود.»

پایین پوش

۱- شلوار

الف- شلوار کردی «شلوار مورد استفاده در سابق دارای پارچه ای تنگ و قسمت بالا گشاد و جنس آن از کتان یا نخ به رنگ مشکی است و دارای دو جیب بزرگ در دو طرف است دور کمر پهن دوخته میشود و نخ‌ی از همان قسمت می‌گذرد که امروز به جای نخ از کش استفاده می‌شود و برای دوخت آن یک و نیم متر پارچه استفاده می‌شود.»

پاپوش

۱- پای تابه

الف- پای تابه: «یک نوار از جنس پشم گوسفند که توسط مردان و زنان بافته می‌شود به طول ۷۰ سانتی متر و عرض ۱۵ سانتی متر دارای حاشیه رنگی به غیر از رنگ زمینه اصلی و دارای بند پشمی جهت بستن به دور آن از پی تا وه تمام دامداران و کشاورزان در فصل سرما استفاده می‌کنند که به قسمت ساق پا تا نزدیک زانو پیچیده می‌شود.»

۲- جوراب

الف- جوراب کردی: «مردان نیز مانند جوراب زنانه با پنج میل بافته می‌شود و از قسمت ساق پا شنه تشکیل میشود جوراب مردان دارای نقوش زیبایی بوده که مهمترین نقش آن در (دولخانی) است.»

۳- کفش

الف- چاروق: «نوعی کفش یک تکه است روش تهیه به این صورت است که ابتدا چرم را در آب خیس میکنند بعد از نرم شدن برای برش استفاده می‌شود نقش را روی چرم کشیده، پس برش چند را با درفش سوراخ کرده و تسمه چرمی را از سوراخ ها عبور داده و آن را محکم میکشند تا اضافه چرم دور پاچین بخورد و قسمت علامت گذاری شده را به هم می‌دوزند و روی پنجه پا به شکل خمیده به سمت بیرون بر می‌گردند. سپس با قلم های مختلف روی چاروق طرح های مختلف می‌کشند.»

ب- چوقی: «یکی از انواع پاپوش ها چوقی استو آن کفش ساده سه، تیکه و بدون پاشنه با رویه ای کوتاه و نوکی برگشته است که از چند میل به نام (هروم) تهیه می‌شده و این کفش فاقد بند بوده روی آن با الیاف الوان نقش دوزی می‌شده است. این طرح، پژوهشی است با صبغه گزارشی و مستندی که با وجود کمبود منابع در حوزه پوشاک محلی کرمانجی منطقه، اکثر مطالب آن را از طریق میدانی و کاوش در خرده فرهنگ کرمانجی خطه خراسان شمالی به دست آورده ایم. هیچ گونه منبع نوشتاری و مکتوب مختصری هم در مورد پوشاک کرمانجی وجود ندارد و اکثر مطالب فقط در حد گزارش های ساده و یکسان و در عموم موارد تکراری است که در کنار طرح مبانی و مسائل فرهنگی منطقه، از پوشاک هم به عنوان یک عنصر و پدیده فرهنگی ذکر شده است. با این وجود سعی کرده ایم تا با تطبیق مبانی نظری هنری بر گونه های یافت شده پوشاک کرمانجی و طرح و توصیف انواع پوشش ها، با رویکردی گزارشی توأم با مصور ساختن مطالب، تا حد امکان طرح پژوهشی برای یک برنامه رسانه ای در گزارش منجر به تولید نزدیک تر شود.»

هر نوع اثر هنری حاصل مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی است که در فرم و بافت و طرح و رنگ و... اثر هنری تاثیر بسزایی دارند، و همین اثر هنری با چنین مولفه‌های تاثیرگذار و زمینه‌ی می‌تواند در فرآیند و روایت شاخص های محتوایی جامع نقشه شایانی داشته باشد، به خصوص در هنرهای سنتی و با شاخصه های بومی و محلی، می‌توان این تعامل میان هنر با دوسویه فرهنگ و اقتصاد و جامعه را به وضوح مشاهده کرد، پوشاک و نساجی سنتی از هنرهایی است که در منطقه خراسان شمالی به اقتضای محیط و فضای روستایی و کوهستانی و منطقه ای با بافت فکری محجوب و متین و اصیل و برخوردار از فرهنگ و هویت اصیل اسلامی- ایرانی و تناسب تولید محصولات با تهیه انواع پوشاک و تعامل مثبت اقتصادی با فرهنگ و هنر، روایتگر فضای فرهنگی و الگوهای اقتصادی جامعه و خرده فرهنگ کرمانج است، به بیان دیگر، تولید پشم گوسفند و پرورش نوغان و کرم ابریشم و کاشت محصولات کشاورزی پنبه باعث تهیه و تولید مواد اولیه پوشاک منطقه است که متناسب با اقلیم معتدل و کوهستانی، در انواع تن پوش ها و سرپوش ها و حتی پاپوش ها، می‌توانیم حضور این مواد اولیه را در تولید نوع

جنس و رنگ و طرح پوشش‌ها ببینیم حتی در نوع موتیف‌های به کار رفته در گلیم‌ها و جاجیم‌ها و قالی‌های دستبافه و پوشش‌های گوناگون کاربردی در زندگی.

پیشنهادهای

در پژوهش‌های بومی، هم از نظر مواد و مصالح و فضاهای مستند و هم از نظر دستیابی به اصل محور و موضوع پژوهش و هم از نظر چگونگی تعیین و تشخیص دقیق گونه‌ها و تمیز میان اصل و بدل، مشکلات زیادی وجود دارد که موضوع پوشاک کرمانجی هم از نظر اسناد و شیوه‌ها و تعیین و تمیز و شناخت شاخص‌های هنری در طول تحقیق چنین مسائلی را به همراه داشت که با این وجود، تلاش کردیم تا بر این اساس گونه‌های هنری اصیل پوشاک و دریافت مبانی هنری و فرهنگی و انواع پوشش‌های موجود در گنجه‌ها و صندوق‌خانه این طرح انجام شود که با این اهتمام پیشنهاد می‌شود در کاربرد و اجرای این پژوهش به ویژه برای یک برنامه رسانه‌ای موارد زیر در نظر گرفته شود:

- ۱- استفاده از صاحب‌نظران و خبرگان بومی و محلی در توصیف و تحلیل
 - ۲- فیلم برداری دقیق از تمام عناصر هنری بافت و طرح و هندسه و مساله اصیل.
 - ۳- بیان تاریخ و جغرافیای هنر پوشاک در کنار عناصر هنری.
 - ۴- نگرش اشتغالزایی و کارآفرینی به پوشاک و ارتباطات با صنعت نساجی
 - ۵- نگاه هنری به نوع بافت‌ها و طرح‌ها به کار رفته در طراحی پوشاک
 - ۶- نگرش نسبت شناسی به مبانی نظری زبان و فرهنگ و رفتارها با شاخص‌های هنری
 - ۷- طرح هنر به عنوان شاخص برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری فرهنگی جامعه
 - ۸- نگاه از منظر کاربردی به هنرهای صناعی و تزیینی در ارتباط با فرهنگ و صنعت و تجارت پ
- پیشنهاد تولید برنامه مستند (پوشاک کرمانجی) برای سیمای خراسان شمالی

یکی از سلسله برنامه‌های موضوعی شبکه‌های جهانی برنامه‌های مستند است که طیف وسیعی از حوزه زیست‌محیطی و منابع طبیعی تا فرهنگ و جامعه‌شناسی و هنر و فضاهای شهری را شامل می‌شود، محتوای برنامه‌های مستند به خاطر برخورداری از اصالت و واقعیت طرفداران زیادی دارد که امروزه مفهوم (مستند) دارای وسیع معنوی شده و سرفه یک برنامه تصویری برگرفته از یک مکان و رفتار و فضا و اوضاع و فراتر رفته است. هر موضوع مستند به اعتبار میزان برخورداری از مفاهیم واقعی و جلوه‌های اصالت و حضور به دور از خیال پردازی‌ها دارای ارزش و اعتبار بیشتری می‌باشد. چراکه تصویری است از یک رفتار و وضعیت خاص یا یک روند یا فرآیند ویژه که گاه علاوه بر بیان واقعیت و کمک به درک بهتر و شناخت بیشتر، باعث طنز هم می‌گردد.

منابع

- ۱- انصاری مود، محمد حسین: معصومی، سعید: در جستجوی هویت شهری بجنورد، مرکز اطلاعاتی و تحقیقاتی شهر سازی و معماری: چاپ (۱۳۸۹)
- ۲- امیدی، ناهید: دیده و دل و دست (پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان) مشهد، انتشارات به نشر (۱۳۸۲).
- ۳- تهران (۱۳۸۲) پوپ، آرتور اپهام (۱۳۳۸) شاهکارهای هنر ایرانی، ترجمه و اقتباس پرویز ناتل خانلری، انتشارات فرانکلین، تهران.

- ۴- جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل (۱۳۸۴).
- ۵- چیت ساز، محمد رضا، تاریخ پوشاک ایرانیان، انتشارات سمت زمستان (۱۳۷۹)
- ۶- رحیمی، پریچهر، (۱۳۸۵): تاریخ پوشاک ایرانیان، انتشارات دانشگاه هنر.
- ۷- شریعت پناهی، سید حسام الدین، (۱۳۷۱) اروپایی ها و لباس ایرانیان، نشر قومس، تهران.
- ۸- ضیاء پور، جلیل (۱۳۴۶)، پوشاک ایل ها و چادر نشینان و روستاییان ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- ۹- گذار، آندره (۱۳۵۸)، هنر ایران، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.
- ۱۰- مصباح، آزیتا، پوشاک بین انهرین و مصر باستان، انتشارات توس تهران (۱۳۸۳)
- ۱۱- یآوری، حسین و سارا حکاک باشی، (۱۳۸۹)، مختصری درباره تحولات لباس و پوشاک در ایران، انتشارات سیمای دانش، تهران.

